

وقتی که اسلام به فتوحاتی رسید و مرز اسلام از لحاظ جغرافیایی وسعت یافت، متأسفانه به موازات این وسعت، عمق فکر اسلامی پیش نرفت. اسلام را قبول کردند، اما نه مسلمان شدن مانند ابوذر. (کتاب دو امام مجاهد)

www.basirat.ir

▼ حرف روز

دستگاه قضا ورود کند!

محاکمه یکی از متهمان اقتصادی پرونده بانک سرمایه و صندوق ذخیره فرهنگیان در اواخر هفته گذشته بهانه‌ای شد تا بار دیگر رسانه‌های گوناگون هر کدام از منظر خود به مسئله ورود پول‌های مشکوک و اصطلاحاً کثیف به سینما بپردازند. ماجرای که ۵ سال است با ورود چنین سرمایه‌ای به سریال شهرزاد خبرساز شد و به دنبال آن حواشی فراوانی در سال گذشته ایجاد شد که اوج آن امضای برخی از سینماگران در پای نامه آزادی یکی از این متهمان از زندان بود. حجم خبر و تحلیلی که در این باره رپرتاژ می‌شود، واجد نکاتی از حیث سلامت روانی شهروندان و پیوند دادن آن به جریان تحریف است که از باب طرح مقدماتی به آن می‌پردازیم.

نکات تحلیلی: ۱- طرح بحث در زمینه ورود پول‌های کثیف به سینما و شبکه خانگی که منجر به شفافیت شود، خوب است؛ اما آنچه مایه نگرانی است فشار روانی و ناامیدی است که بر روح مردم و پیگیری‌کنندگان این موضوع در این شرایط اقتصادی چنگ می‌زند و تصویری مغشوش از کلیت امور فرهنگی و مدیریتی آن در کشور ارائه می‌دهد؛ در حالی که هنوز صحت و سقم بسیاری از این اخبار و تحلیل‌ها مشخص و قطعی نیست. ۲- این بحث ابعاد مختلفی به لحاظ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد؛ اما آنچه در این سطور به دنبال طرح آن هستیم، ناامنی روانی و تهدیدی است که از این زاویه در جامعه ایجاد می‌شود. به راستی این اخبار منفی سرشار از دزدی، اختلاس، زد و بند، ارتشاء و ... با اذهان مردم چه می‌کند؟ کدام یک از روایت‌ها واقعیت دارد؟ چه کسی مسئولیت نظارت بر این امور را بر عهده دارد؟ وزارت ارشاد و مسئولان سینمایی کجایند؟ چرا برخی تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌های بزرگ سینمای کشور که قرار است فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را با برداشت‌ها و پلان‌های کلوزآپ و بسته خود به جوانان این مرزوبوم یاد دهند، امروز همدیگر را متهم می‌کنند؟ آیا نباید تا مشخص شدن واقعیت از سیاست رسانه‌ای درستی تبعیت کرد که این تبعات را نداشته باشد؟

نکته پایانی: به نظر می‌رسد در راستای دفاع از حقوق عامه که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است، باید مدعی‌العموم ورودی دقیق‌تر، سریع‌تر و جدی‌تر داشته باشد تا به هر بهانه‌ای سفره این عقده‌گشایی‌ها، اتهام‌زنی‌ها و فرار از پاسخگویی‌ها باز نشود. با وجود تلاش نستوهانه و عزم قوه قضائیه در ماه‌های اخیر، گاهی طولانی شدن دادرسی‌ها و مفتوح بودن برخی پرونده‌ها، آفتی است که مطلوب نظر جریان تحریف در راستای فضا سازی و آفای ناکارآمدی نظام اسلامی است. باید مراقب و حساس این آدرس غلط دادن و تحریف واقعیت نگاه انقلابی به حوزه فرهنگ و سینما بود که جمع زیادی در آن متعهدانه فعالیت می‌کنند. برای پاسداشت زحمات بخش اصیل و متعهد سینما باید دستگاه قضا ورود کند! (نویسنده: فتح‌الله پریشان)

▼ گزارش روز

ضعف قدرتی که روزبه‌روز آشکارتر می‌شود

جدای از اقدامات تقابلی و مستقیم آمریکا علیه کشورمان، چندین سال است که این تقابل و ضدیت در عرصه بین‌المللی و با استفاده ابزاری ایالات‌متحده از نهادهای بین‌المللی نیز دنبال می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان ملل و به‌خصوص شورای امنیت، صندوق بین‌المللی پول و ... ابزار آمریکا در فشار بر حریفان بکار گرفته می‌شود. در واقع ساختار این نهادها به گونه‌ای است که تاکنون این امکان را به آمریکا می‌داد؛ از این رو، عدم توانایی آمریکا در اعمال مجدد تحریم‌های تسلیحاتی از طریق سازمان ملل علیه ایران، نشان دیگری از افول موریه‌وار قدرت آمریکاست.

گزاره‌های خبری:

روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی به رأی‌گیری روز گذشته در شورای امنیت درباره قطعنامه بازبینی شده واشنگتن علیه ایران اشاره کرد و نوشت: «ایالات‌متحده متحمل شکست تحقیرآمیزی در سازمان ملل شد؛ زیرا طرح پیشنهادی این کشور برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران در رأی‌گیری شورای امنیت، تنها حمایت جمهوری دومینیکن را جلب کرد». «گاردین» نیز آورد: «حجم شکست روز جمعه واشنگتن در شورای امنیت، تأییدی بر انزوای آمریکا در عرصه جهانی بود». «کریس مورفی» سناتور آمریکایی هم توثیق زد: «این یک شکست نبود، بلکه یک فضاحت بود. از ۱۵ عضو شورای امنیت، تنها جمهوری دومینیکن همراه ما رأی داد. در شورای امنیت شکست نخوردیم، تار و مار شدیم. این نشان‌دهنده آن است که آمریکا تا چه اندازه‌ای ضعیف شده و بقیه جهان چگونه راهبرد ترامپ در قبال ایران را فاجعه‌بار می‌بینند.»

گزاره تحلیلی: نزدیک به چهار سال است که دونالد ترامپ سیاست فشار حداکثری علیه ایران را با هدف کشاندن ایران پای میز مذاکره (بخوانید: گرفتن امتیازهای بیشتر از ایران) به کار برده است. حال این سیاست قلدرمآبانه، تبدیل به شکست حداکثری برای آمریکا شده است. رأی نیاوردن قطعنامه ضد ایرانی در شورای امنیت و عدم همراهی بی‌سابقه کشورهای مطرح این شورا با قطعنامه پیشنهادی آمریکا، نیز گویای این نکته است که دیگر دولت‌ها از اقدامات آمریکا در زیرپا گذاشتن قوانین بین‌الملل حمایت نمی‌کنند و این نشانه آشکار افول ابرقدرتی است که روزی همگان جلوی سر تعظیم فرود می‌آوردند. (نویسنده: اکبر معصومی)

▼ خط تحریف

آنچه موجب کاهش مشارکت مردمی شد!

عباس عبدی عضو فعال اردوگاه اصلاح‌طلبی در روزنامه اعتماد، از وجود تعارض ساختاری در کشور نوشت و مدعی شد: «مردم دیگر حاضر به ورود در این بازی تکراری و ترجیح یکی بر دیگری از میان نامزدهای تأیید شده بسیار محدود نیستند. حتی اگر مردم هم حاضر به این کار شوند، نتیجه، همین وضعیت تأسف باری است که پس از انتخابات سال ۹۶ می‌بینیم. بنابراین اگر به جای انتخابات غیر راهگشای سال بعد، نهاد نخست‌وزیری را در قانون زنده کنند، خیلی بهتر است. حداقل رئیس‌جمهور منتخب و دولت او ۴ یا ۸ سال روی دست ساختار نمی‌ماند؛ به نحوی که نه می‌توانند آن را قورت دهند و نه می‌توانند آن را بالا بیاورند.» خط تحریف در تلاش است تا انتخابات در کشور را صوری و غیر مردم‌سالار توصیف کرده و نظارت شورای نگهبان را عامل این محدودیت معرفی نماید و این‌گونه آفای کند که مردم دیگر حاضر به شرکت در انتخابات صوری و انتخاب رئیس‌جمهور بدون قدرت نیستند! اما واقعیت آن است که آنچه موجب کاهش مشارکت مردمی در انتخابات شده، ناکارآمدی دولتی است که با حمایت اصلاح‌طلبان به قدرت رسیده است؛ و گر نه در طول ۴۰ سال گذشته، همواره این سرزمین رئیس‌جمهورش را با رأی و خواست مردم انتخاب کرده است؛ رئیس‌جمهوری که به نفر دوم کشور بوده و بر اساس قانون اساسی از اختیارات لازم برخوردار است.